

تأثیر ابطال گواهی اختراع در قراردادهای جذب فناوری

علی روحی‌زاده^۱

مجید عباس تبار فیروزجاه^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۳؛ تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۲۷

چکیده

یکی از پرسش‌های قابل طرح در خصوص قرارداد جذب فناوری، تأثیر ابطال گواهی در وضعیت قرارداد است. موضوع قرارداد مذکور، مجموعه‌ای از حق اختراع و دانش‌های فنی به همراه کمک‌های آموزشی و فنی و مدیریتی می‌باشد به گونه‌ای که انتقال گیرنده را در فناوری موضوع قرارداد به خودکفایی برساند و اعطای مجوز بهره‌برداری، جزئی از قرارداد در راستای اثربخشی قرارداد است. بر این اساس، می‌توان گفت که موضوع قرارداد جذب فناوری، یک فناوری در هیئت کلی است که دارای اجزای مختلفی از جمله گواهی اختراع است و وجود آن بر ارزش موضوع معامله می‌افزاید از این رو، در صورت ابطال گواهی اختراع بخشی از موضوع معامله (با لحاظ وجود انحصار واقعی تا پیش از ابطال) تلف شده و به لحاظ وصف استمرار قرارداد، با وحدت ملاک از قواعد عقد اجاره، موجب خیار تبعض صفقه برای انتقال گیرنده خواهد بود. پذیرش خیار تبعض صفقه نه تنها انگیزه انتقال گیرنده برای درخواست ابطال گواهی اختراع نابجا و در نتیجه حذف آن در راستای حمایت از دانش عمومی و برچیده شدن انحصارهای نابجا حفظ می‌شود، بلکه به انتقال گیرنده در خصوص پذیرش یا فسخ قرارداد حق انتخاب داده و از سوی دیگر، انگیزه مخترعین برای ثبت اختراع و انعقاد قراردادهای انتقال فناوری تضمین می‌کند.

کلید واژه‌ها: ابطال گواهی اختراع، حمایت از دانش عمومی، خیار تبعض صفقه، قرارداد جذب فناوری.

1. roohizadeh.k@gmail.com

۱. دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه شهید بهشتی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند و رباط کریم (نویسنده مسئول)

m_abbastabar@yahoo.com

۲. دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

یکی از نیازهای کشورهای در حال توسعه دسترسی به فناوری‌های روز در راستای تحقق اهداف بلندمدت اقتصادی و توانایی رقابت در بازار جهانی می‌باشد که معمولاً از طریق قراردادهای انتقال فناوری به این امر اقدام می‌شود، از جمله این قراردادهای، قرارداد جذب فناوری می‌باشد که در راستای رفع ناکارآمدی قالب‌های قراردادی موجود همچون لیسانس مطرح شده است، از آنجایی که انعقاد چنین قراردادی متمرکز بر فناوری‌های دارای گواهی اختراع می‌باشد، از جمله مسائل قابل طرح در این زمینه این است که پس از ابطال گواهی اختراع قرارداد مذکور چه سرنوشتی خواهد یافت آیا این قرارداد باطل خواهد بود یا اینکه منفسخ می‌گردد در غیر این صورت، آیا انتقال گیرنده حق فسخ قرارداد را پیدا می‌کند یا خیر. برای پاسخگویی به این سؤال نخست باید ماهیت چنین قراردادی تبیین گردد پس از آن می‌توان بررسی کرد که ابطال گواهی اختراع چه خللی در قرارداد ایجاد می‌کند که در این راستا مطالعه حقوق تطبیقی و تحلیل‌های حقوق اقتصادی سودمند می‌باشد.

گفتار نخست: ساختار قرارداد جذب فناوری

اصولاً در گستره انتقال فناوری، نگرانی بنیادین بیشتر کشورها رخ ندادن انتقال همسو با هدفی است که از آن در نظر گرفته شده است. سرچشمه این نگرانی سازگار نبودن قراردادهای با فرآیند پیچیده انتقال و خواسته‌های گیرنده است. از این رو، شایسته است ساختار قراردادی دیگری مورد استفاده قرار گیرد تا نواقص این گستره را به کمال برساند. این ساختار قراردادی را می‌توان «قرارداد تحصیل و یا جذب فناوری» نامید. موضوع این قرارداد در واقع این است که فناوری با همه اجزایش با سازوکار ویژه‌ای به دست گیرنده برسد و برحسب شرایط و توانایی‌های دریافت‌کننده فناوری دربرگیرنده تجهیزات و ماشین‌آلات، اختراعات، دانش فنی و اطلاعات سری و شاید دیگر حقوق فکری، مهارت‌ها و کمک‌های فنی و مدیریتی و آموزشی و همچنین چنانچه در قرارداد آمده باشد، نشانه‌ها و علائمی که برای تجاری‌سازی فناوری نیاز است باشد (رهبری، ۱۳۹۳: ۱۲۷؛ صادقی و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۵). به سخن دیگر، در این قرارداد، تأمین‌کننده فناوری متعهد می‌شود که انتقال گیرنده را بر فناوری مسلط و سرانجام دارنده

فناوری نماید (احسنی افروز، ۱۳۹۰: ۱۳۲). نکته دیگری که باید در اینجا به یادداشت، آن است که موضوع این قرارداد تنها حق اختراع نمی‌باشد؛ بلکه مجموعه‌ای از حق اختراع و دانش‌های فنی به همراه کمک‌های آموزشی و فنی و مدیریتی می‌باشد که زمینه‌توانمند شدن انتقال گیرنده را در نوآوری فراهم سازد. جوهره این قرارداد ماهرشدن انتقال گیرنده در موضوع قرارداد است. از این رو، تعهد اصلی انتقال‌دهنده فناوری در این قرارداد، برآورده ساختن انتقال فناوری به گیرنده است. اگر در قرارداد چنین چیزی به روشنی نیامده باشد، می‌توان گفت که باید آن را جزء مقتضای ذات قرارداد و محور همه تعهدات قراردادی و غیرقراردادی انتقال‌دهنده دانست (صادقی و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۰). از تعهدات بنیادین انتقال‌دهنده فناوری، تسلیم همه پاره‌های فناوری و آشکارسازی مؤلفه‌های آن برای گیرنده می‌باشد. انتقال‌دهنده نه تنها باید اطلاعاتی را که برای بهره‌برداری از فناوری نیاز است بلکه باید هر نوع اطلاعات دیگری که برای بومی‌سازی، جذب و بهبود فناوری را که در اختیار دارد به انتقال گیرنده تسلیم نماید. این تعهد با دادن نوشته‌ها و دستورالعمل‌ها، راهنماهای فنی، دادن مجوز بهره‌برداری، تسلیم سخت‌افزار و نرم‌افزار، تجهیزات و دستگاه‌ها و دادن کمک‌های آموزشی، فنی و کارشناسی، مدیریتی و غیره انجام می‌گیرد.

گفتار دوم: جایگاه گواهی اختراع در قرارداد جذب فناوری

گفته شد که موضوع قراردادهای جذب فناوری این است که فناوری با همه اجزایش با سازوکار ویژه‌ای به دست گیرنده برسد و دربرگیرنده تجهیزات و دستگاه‌ها، نوآوری‌ها، دانش فنی و اطلاعات سری و نیز شاید دیگر حقوق فکری، مهارت‌ها و کمک‌های فنی و مدیریتی و آموزشی و همچنین چنانچه در قرارداد آمده باشد، علائمی که برای تجاری‌سازی فناوری نیاز است می‌باشد (رهبری، ۱۳۹۳: ۶۲۷).

نکته مهم در اینجا، پیوند میان این قرارداد و اختراع موضوع قرارداد است. پرسش این است که آیا با این قرارداد انتقال گیرنده، مالک فناوری می‌شود یا تنها حق بهره‌برداری از آن را به دست می‌آورد. می‌توان گفت که این قرارداد به چندگونه نمود می‌یابد. گاه دارنده نوآوری همراه با واگذاری نوآوری‌اش پایبند می‌شود که انتقال گیرنده را در این فناوری خودکفا سازد و همچنین در قرارداد لیسانس چنین تعهدی پذیرفته می‌شود. گاه نیز قراردادی عهدی جداگانه‌ای بسته شده و در پی آن انتقال گیرنده حق بهره‌برداری را به دست می‌آورد. در نگاهی موشکافانه چنین دیده می‌شود قرارداد جذب فناوری قراردادی جدا از قرارداد

۱. در کتابچه واپیو در بندهای ۲-۵۸ و ۳-۵۸ از قراردادی سخن گفته می‌شود که در آن مالک حقوق انحصاری یا تأمین‌کننده دانش‌چگونگی به تحقق تحصیل فناوری برای انتقال گیرنده رضایت می‌دهد.

World Intellectual Property Organization (WIPO), International Property Handbook Policy, Law and use, Geneva, 2nd edition, 2004.

واگذاری یا لیسانس باشد. به راستی، جوهره و انگیزش بنیادین این قرارداد، خودکفاسازی انتقال گیرنده و از بین بردن وابستگی اش در زمینه فناوری موضوع قرارداد است. اگرچه این قرارداد می تواند همراه با واگذاری حق اختراع یا دادن حق بهره برداری باشد ولی جواز بهره برداری بنیان این قرارداد را تشکیل نداده و تعهدی تبعی است. می توان گفت که این قرارداد از قراردادهای عهدی است که بر پایه آن دارنده فناوری پایبند می گردد که زمینه توانمند شدن انتقال گیرنده را فراهم سازد و در راستای انجام تعهداتش و بر پایه تعهدی ضمنی حق بهره برداری از نوآوری را می دهد. این موضوع در ذیل بند ۱ ماده ۲۱ قانون حق اختراعات یونان بدین بیان تأکید شده است: «به ویژه در قرارداد انتقال فناوری، موارد زیر در درون مقصود و منظور این ماده به عنوان (اجزای) انتقال فناوری به شمار می آیند: الف) دادن مجوز برای بهره برداری از حق اختراع و یا اختراعات و اشیای مصرفی، ب) انتقال کامل حق اختراع یا حق ناشی از اشیای مصرفی و پروانه های موردنیاز برای بهره برداری...»^۲ باید پذیرفت که انگیزه بنیادین قرارداد جذب فناوری تنها رهایی از وابستگی نبوده و افزون بر آن انتقال گیرنده به دنبال رسیدن به توانایی رقابت در بازار است. انتقال گیرنده می خواهد جدا از برچیده شدن وابستگی اش، وارد بازار شده و از این راه به کسب درآمد بپردازد زیرا در نبود چنین اختیاری او همچنان وابسته خواهد بود. از این رو در یک واکاوی سنجیده از قرارداد جذب فناوری باید بر این اندیشه بود که قرارداد باید حق بهره برداری از فناوری را به فناوری پذیر بدهد؛ ولی در اینکه چنین حقی در ساختار قرارداد لیسانس باشد یا واگذاری، باید آزادی قراردادی طرفین نظر داشت و آنها خود ساختار شایسته را بر خواهند گزید.

مبحث سوم: ابطال گواهی اختراع و قرارداد جذب فناوری در حقوق تطبیقی

س ناسیلا دادرار ق ع و ضوم ه ک ی ماگنه، اکیرما ق و ق و ق ر د ه یلع ت و لور ب ی ا ه ی ا ر ا ب جوم ه ب دشاب ع ارتخا ق ح اهنت دادرار ق ع ارتخا ی هاوگ لاطبا ا ب، زینکدا ه یلع ریل و آ زینت ت خادر پ ه ب دهعت ز ا ه دس نریگ س ناسیلا و ه دشخ سفنه ریل ی ا ر س ا س ر ب دوش می م ی ر ب ه دنیا ی ا ه ی تلیور لاطبا ی ا و ع د ر د ی زور ی ی ت ر و ص ر د ه دس نریگ س ناسیلا دهعت ز لاطبا ی ا ر ب ت بته م ا د سقا م ا گنه ز ا ع ارتخا ی هاوگ ه ک ت س ن ا ر م ا ن ی ا ل یلا د، دوش می م ی ر ب ت خادر پ ه ب ی هاوگ لاطبا ی ا ر ب م ا د سقا م ع ر ی ل ع ه دس نریگ س ناسیلا ر م ا

نیا، دس نکت خادر پ ا ر ا ه ی تلیور ه ک دشاب ا ر ا چان ع ارتخا ز ا ت یام ه ک (ت ا ع ارتخا ق و ق و ق ن ا لاک ت س ا ی س ا ب ر م ا ر د) ت س ا ی موم ع ش ن ا د ز ا ن ا گ ی ا ر و د ا ز ا ی ر و م ر ه ب دشاب ی س ک اهنت ه دس نریگ س ناسیلا س ب ه چ و ه دوش ض ر ا عت د ی ا ب و د ر ا د ا ر لاطبا ت س ا و خ ر د ی ا ر ب ه ز یگ ن ا ن ی ر ت ش ی ه ک ه دس نریگ س ناسیلا ی ا ر ب ه ز یگ ن ا د ا ج ی ا ب ا د ت ر د ک ش ل ا ت . ت خا د ن ا و ل ا ج ا ر ا ج ب ا ن ع ارتخا ی ا ه ی هاوگ لاطبا ه م ا گنه ع و ضوم ی ی ا هنت ه ب ی ن ف ش ن ا د ر م ا ه ک ت س ا ی م ا ح ر د ن ی ا د ا د ر ا ر ق ه ک ت س ا ه دش ه ت ف ر ی ز پ د ر ی گ ر ا ر ق س ناسیلا د ا د ر ا ر ق ع و ضوم ی ر ا ج ت ر ا ر س ا ی ا شفا ز ا د س ب ن ا م ز ر د ن ا ج ه یلع ت ر ب م ر ن ر ا و «ف دس نریگ ر د. دشاب ر بته س ناسیلا ه ک د ا د ی ا ر ن ی ن ی چ ش ه و ژ پ ه ا گ د ا د» س نیا ز د ل ا ن ی ر. ی ج ی، ن ف ش ن ا د س ناسیلا ر د، ع ارتخا ق ح س ناسیلا ف ل ا خ ر ب د ا د ر ا ر ق د س ه ا و خ ب ه ک ه ن و گ ر ه ه ب ه ن ا د ا ز ا د س ن ا و ت ی م ن ی ف ر ط ز ا س پ ه ر و د ه ی ی تلیور ت خادر پ ه ب دهعت ه ع س و ت و د س نریگ ن لاک ت س ا ی س و ی موم ع م ط ز ف ل ا خ م ی ر ا ج ت ر ا ر س ا ی ا شفا ی ن ا م ز ر د، دوش ن ی ا ا ب^۱ دوش د ه ا و خ ت ا ع ارتخا ق و ق و ق ر ا ر ق ه ل م ا ع م دروم ع ارتخا ی هاوگ ه ا ر م ه ه ب ی ن ف ش ن ا د ه ک ر م ع ل و ص ل ا ی ل ع ه ک ت س ا ه دش ت ب یته ر م ا ن ی ا، د ر ی گ ی ا ر ر د.^۲ دوش د ه ا و خ ن ع ارتخا ی هاوگ ر م ع ز ا ش ی د د ا د ر ا ر ق ه ا گ د ا د م ه ن د ه ب ع ش^۳ ل ا یور م ی ا ن ص ه یلع ر ی ی س ی ج ر ت س ن س ا ن ی ا، ت خادر پ ب ک ر م س ناسیلا ع و ضوم ه ب ا ک ی ر م ا ش ه و ژ پ ش ن ا د و ی ا ه م ا ن ی هاوگ ق و ق و ق «س ناسیلا م ن ی ر د ه دس نریگ ه دوش ی ر و ا و ن د ش ش و پ ر ی ز ی ا ه ل ا ک ت خ ا س ا»^۴ ی گنوگچ س ی ج ر ت س ن س ا د ا د ر ا ر ق د ا ق ع ن ا ز ا س پ ل ا س ه س ت س ا ی ر ا ب ت ع ی ا ب ه د ن ه د ن ا ش ن ه ک د ر و ا ت س د ه ب ا ر ی ل ی ل ا د ی ر ا د دوش ی تلیور ت خادر پ ز ا و ر ن ی ز ا، دوش ه م ا ن ی هاوگ د ا د ه ا گ د ا د ه ب ا ر ه م ا ن ی هاوگ ی ر ا ب ت ع ی ا ب ت س ا و خ د ا د و ه د ر ک ت س ن س ه ک د ا د ی ا ر و دوش ن لاطبا ا ر ه م ا ن ی هاوگ ش خ ب ه ا گ د ا د ز ا س پ ه ا گ د ا د. دس ن خ س ف ا ر د ا د ر ا ر ق د س ن ا و ت ی م س ی ج ر «ی گنوگچ ش ن ا د «ه ک د ی س ر ه ج ی ت ن ی ا ه ب د ا د ر ا ر ق ی س ر ر ب ن ا د س چ ه م ا ن ی هاوگ ش ش و پ ر ی ز ی ا ه ل ا ک ت خ ا س ا ی ا ر ب ل ا یور ه دوش د ن م ش ز ر ا س ی ج ر ت س ن س ا ی ا ر ب ی ل و ه دوش ی س ا س ا ت س د ر ا ز ا ب ه ب ر ت د و ز ت س ن ا و ت ن ا ن ت ش ا د ا ب ا ر ی ز ؛ ت س ا ی گنوگچ ش ن ا د، دادرار ق ن ی ا ر د ه ک د ر م ن ا ی د ه ا گ د ا د. دس ی ا ی ر د و د ر ا د ی ا ه م ا ن ی هاوگ ق و ق و ق ا ب ی ک ی د ز ن ر ا ی س ب ط ا ب ت ر ا، ه م ا ن ی هاوگ لاطبا ا ب ه ک ی ا ه د ع ا ق ن ا م ه ی ی ا ه ا ج ن ی ن ی چ ت ف ا ی ر د ل س ا ق ر ی غ ا ر ع ارتخا ق ح ه ب ط و س ر م ا ه ی تلیور ه ت س ب ر ا ک ه ب ز ی ن ی گنوگچ ش ن ا د ه ا ب ر د د ی ا ب د س ن ا د ی م دوش.

با این حال، همان گونه که در پرونده های سنت

5. *Blonder Tongue v. University of Illinois Found.*, 402 U.S. 313 (1971)
 6. *Warner-Lambert Pharmaceutical Company, Inc v. John J. Reynolds, Inc.*, 178 F.Supp. 655 (1959), pp.665-667.
 7. *Aronson v. Quick Point Pencil Co.*, 440 U.S. 257 (1979)
 8. *St. Regis Paper co. v. Royal Industries*.552 F.2d 309 (1977)
 9. Know-how.

2. *Greece Patent Law (Law on Technology Transfer, Inventions and Technical Innovation as amended by Law no. 2359 of November 21, 1995, Entry Into Force: January 1, 1996.*
 3. *Brulotte v. Thys Co.*, 379 U.S. 29 (1964).
 4. *Lear, Inc. v. Adkins* - 395 U.S. 653 (1969),

ابطال گواهی اختراع قرارداد بلاعوض می شود یا خیر. پاسخ به این پرسش بسته به اینکه سبب ابطال چه باشد متفاوت خواهد بود که زیر به تفکیک مورد بررسی قرار می گیرد.

گفتار نخست: ابطال گواهی اختراع در اثر فقدان شروط تازگی و بدیهی بودن و نقص افشا

در این که اعتبار گواهی اختراع از جهت شروط فوق، چه ارتباطی با قرارداد جذب فناوری دارد، سه نظر قابل بیان است. از یک دیدگاه می توان گفت که اعتبار گواهی اختراع صفت فناوری مورد معامله بوده و بر ارزش آن می افزاید (صادقی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۳؛ احسنی افروز، ۱۳۹۰: ۲۷۴). از نگاه دیگر، اعتبار گواهی اختراع شرط سلامت فناوری بوده و ابطال آن کاهش دهنده ارزش مورد معامله خواهد بود. همچنین می توان گفت گواهی اختراع جزئی از مورد معامله بوده و با ابطال آن بخشی از مورد معامله تلف شده و خیار تبعض صنفیه مطرح می گردد. نکته قابل تأکید آن است که با توجه به چندگانگی موضوع قرارداد (حق اختراع یا حق بهره برداری از آن، دانش فنی و کمک های فنی و آموزشی و تجهیزاتی) صرف ابطال گواهی را نمی توان موجب بطلان کل قرارداد دانست (همان: ۲۰۹) زیرا با وجود ابطال گواهی بخش هایی از قرارداد همچنان پابرجا بوده و امکان ادامه قرارداد باقی است. بر همین اساس نیز باید پذیرفت که عقیده به انفساخ قرارداد نیز چندان سنجیده نمی نماید.

با توجه به ماده ۱۸ قانون ثبت اختراعات، ممکن است ابطال صرفاً مربوط به ادعاهای اختراع یا بخشی از آن باشد. ادعاها اصولاً چند کارکرد اساسی دارند. نخست، آشکارسازی و افشای اختراع، تعیین محدوده موضوع ثبت اختراع و تمایز اختراع از فن پیشین (دوره ام، ۱۹۹۹: ۶۶-۷۹). گرچه در قانون ثبت اختراعات گسترش دامنه ادعاها از موجبات ابطال دانسته نشده است ولی به نظر می رسد که با توجه به ماده ۱۸ قانون ثبت اختراعات این دسته از ادعاها ابطال می شود گرچه به ابطال گواهی نامه نمی انجامد. گسترش ناروای دامنه ادعا بدین معناست که موضوع اختراع به فراسوی اظهارنامه ثبت گسترش داده شود (صادقی و امینی، ۱۳۹۱: ۶۲). در مواردی که ابطال مربوط به بخشی از ادعا یا ادعاها باشد، به نظر می رسد که در پی ابطال ادعا در اثر گستردگی، دامنه ادعاها و به تبع آن محدوده انحصار کاهش می یابد، از ارزش موضوع قرارداد کاسته می شود، همان تحلیل های ارائه شده در خصوص فقدان شرط تازگی و بدیهی نبودن حاکم باشد. در زیر به این موضوعات با لحاظ اینکه در فقدان گام ابتکاری فناوری نمود خارجی دارد ولی ارزش اقتصادی آن با فقدان گواهی اختراع

رجیس پیپر علیه صنایع رویال، بیان شد، مبنای دادگاه در پذیرش عدم امکان اجرای تعهدات به پرداخت رویالتی را چنین دانسته است که حقوق برآمده از گواهی نامه اهمیتی بنیادین در تعیین رویالتی ها داشته است. از این سخن به روشنی می توان دریافت که چنانچه حقوق برآمده از گواهی نامه اهمیتی بنیادین در تعیین رویالتی ها نداشته و رویالتی ها بیشتر بر پایه دانش فنی باشد، قرارداد همچنان لازم الاجرا خواهد بود و لیسانس گیرنده نمی تواند به استناد ابطال گواهی نامه، قرارداد را بر هم زند.

در حقوق ترکیه^{۱۰} و چین (لیپینگ و لینا، ۲۰۱۱: ۸۹۷) و ایتالیا گرچه اثر ابطال گواهی اختراع قهقرایی است؛ ولی قراردادهای منعقد شده اجرا شده باشند از این تأثیر مستثنی هستند. ماده ۵۹ اصلاحی قانون اختراعات ایتالیا که در راستای اصلاح رویه قضایی بوده است، چنین مقرر می دارد: «اعلام بی اعتباری گواهی اختراع اثر قهقرایی دارد؛ ولی در قراردادهای منعقد شده که پیش از اعلام بی اعتباری نهایی شده اند، به اندازه ای که تا پیش از ابطال اجرا شده است مؤثر نیست، گرچه قاضی می تواند، با در نظر گرفتن اوضاع و احوال، حکم به استرداد مبلغی منصفانه برای اجرای سابق دهد» (واهرنوار، ۱۹۹۵: ۲۰۵). این بدان معناست که ابطال گواهی در آن قسمت از قرارداد که به اجرا درآمده اند بی تأثیر بوده و در قرارداد جذب فناوری نیز منتقل الیه به استناد ابطال گواهی نمی تواند استرداد وجوه پرداختی خواستار شود. با این حال به دادگاه اختیار داده شد که چنانچه انصاف اقتضا داشته باشد استرداد بخشی از پرداخت ها را حکم دهد. بر این اساس دادگاه می تواند با در نظر گرفتن این که چه بخشی از قرارداد اجرا شده و چه منافعی از سوی فناوری پذیر کسب شده است تعدیل یا استرداد وجوه پرداختی را حکم دهد.

مبحث دوم: ابطال گواهی اختراع و قرارداد جذب فناوری در حقوق ایران

همان گونه که گفته شد، موضوع قرارداد جذب فناوری صرفاً حق بهره برداری از اختراع یا انتقال مالکیت آن نیست بلکه دانش فنی و کمک های آموزشی و مدیریتی در راستای خودکفاسازی انتقال گیرنده فناوری در فناوری موضوع اختراع می باشد. بر این اساس، با ابطال گواهی اختراع و با در نظر گرفتن اثر قهقرایی آن که در بیشتر کشورها مورد پذیرش قرار گرفته است (ماده ۲۷-۶۲۳ قانون اموال فکری فرانسه، ماده ۱۳ قانون ثبت اختراعات ترکیه و ...) یک چالش قراردادی خاص در قرارداد جذب فناوری مطرح می شود و آن اینکه آیا با

10. Decree-Law No. 551 on the Protection of Patent Rights in Force as from June 27, 1995. Available at: http://www.wipo.int/wipolex/en/text.jsp?file_id=129944

پایین تر است و همچنین از آنجاکه نقص افشا از موارد ابطال شکلی و عدم رعایت تشریفات ثبت گواهی است و نبود فناوری موضوع قرارداد را اثبات نمی کند؛ بلکه تنها ارزش گواهی اختراع را کاهش می دهد، به دلیل تشابه اثر، نیازمند ضمانت اجرای مشابه است، پرداخته می شود.

بند نخست: اعتبار گواهی اختراع به عنوان صفت موضوع قرارداد

برابر ماده ۲۳۴ قانون مدنی «شرط صفت عبارت است از شرط راجعه به کیفیت و کمیت مورد معامله». هرگاه در ضمن عقد شرط شود که عین شخصی مورد معامله در آن عقد متصف به ویژگی خاصی باشد، آن شرط، شرط صفت است. (تولیت، ۱۳۸۸: ۱۳) شرط صفت به راستی از شمار شروط ضمن عقد نبوده و همانا بیان صفات و ویژگی های متمیز عوضین است. (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۲۱۶)

نکته ای که در اینجا می بایست به یادداشت آن است که فسخ به استناد شرط صفت به گذشته نیز نظر دارد؛ بدان معنا که کل عوض می بایست مسترد گردد نه آنکه همچون انفساخ، پیامد آن تنها بر آینده قرارداد باشد. اگر ابطال گواهینامه (که نشان می دهد گواهینامه از آغاز بی اعتبار بوده است) موجب خیار تخلف از شرط صفت دانسته شود، با ایرادی روبروست. همان گونه که از ماده ۲۳۵ ق.م. در یافت می شود، خیار تخلف از شرط درجایی است که پس از قرارداد آشکار گردد که مورد معامله دارای وصف شرط شده نیست نه آنکه پس قرارداد آن صفت را از دست دهد. از همین روست که این خیار تنها در مبيع عین شخصی یا کلی در معین می باشد و در مبيع کلی جاری نیست؛ زیرا شرط صفت در مبيع عین شخصی از دسته شروط حاصلی است و نه حصولی (همچون شرط نتیجه) یا تحصیلی (همچون شرط فعل) (تولیت، ۱۳۸۸: ۲۳)؛ بنابراین، خیار تخلف از شرط صفت منصرف به صفات واقعی است که در هنگام قرارداد یا تسلیم در جهان واقعی موجود نبوده است. این در حالی است که اعتبار گواهینامه صفتی اعتباری است و با آنکه در هنگام قرارداد و نیز پس از تسلیم گواهینامه معتبر بوده است، قانون گذار می تواند اعتبار نماید که در آن زمان گواهینامه نادرست بوده و از صفت اعتبار برخوردار نبوده است. در برابر، در قرارداد فروش کالایی همچون فرش کاشان نمی توان تصور کرد که آن فرش تا امروز فرش کاشان بوده باشد ولی امروز بتوان اعتبار کرد که از آغاز این کالا فرش کاشان نبوده است. می دانیم گرچه قانون گذار اثر ابطال گواهینامه را از هنگام ثبت می داند؛ ولی این سخن بدان معنا نیست که تاکنون در بازار این گواهینامه بی اثر بوده باشد. تا پیش از ابطال، دارنده مجوز بهره برداری می توانست از بازاری انحصاری یا

نیمه انحصاری بهره مند باشد. پس به راستی گواهینامه تا پیش از ابطال معتبر شناخته می شده است؛ ولی قانون گذار چنین اعتبار کرده که گواهینامه از آغاز بی اعتبار بوده است. همچنان که در ماده ۵۹ اصلاحی قانون اختراعات ایتالیا، ماده ۷۴ قانون اختراعات چین و ماده ۱۳۱ قانون ثبت اختراعات چین، قانون گذار اثر قهقرایی ابطال گواهی اختراع در قراردادهای مقدم بر ابطال را استثنا کرده است. همچنین قانون گذار در ماده ۱۸ ق.ا. و اژه «ابطال» را به کار برده است و نه «اعلام بطلان» که به روشنی نشان دهنده معتبر شناخته شدن گواهینامه تا هنگام ابطال می باشد. بر این اساس، چنین به نظر می رسد که همانندسازی اعتبار گواهینامه با شرط صفت چندان به جا نباشد.

شاید گفته شود که مراد از شرط صفت همانا تضمین اعتبار باشد. برای پاسخ به این ادعا شایسته است که نگاهی بر شرط وارانته بیفکنیم. وارانته که در برابر گارانتی قرار می گیرد، به راستی خود تعهد است و متعهد وارانته درستی و صحت مورد تعهد را اقرار و تأیید می کند (صادقی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۳). گفته می شود که در راستای تحقق انتقال فناوری، تضمین عقودی فناوری فرست می بایست بخش غیرملموس قرارداد همچون دانش چگونگی، فرایند ساخت کالا... و نیز مالکیت فناوری موضوع قرارداد و اعتبار قانونی اختراع را در برگیرد.^{۱۱} باید به یادداشت که مراد نویسندگان از سخن فوق، تضمین اینکه گواهینامه از اداره ثبت دریافت شده، نمی باشد و به راستی مراد آنان تضمین این است گواهینامه از سوی اداره ثبت به درستی داده شده و از این رو در آینده ابطال نخواهد شد. اگر این سخن را بدان گونه که بیان شد بپذیریم با ایرادی اساسی روبرو خواهیم بود؛ زیرا تضمین بر اینکه گواهینامه در آینده نیز ابطال نخواهد شد، ناممکن و فراتر توانایی دارنده گواهینامه است (پولتوراک، ۲۰۰۴: ۶۳)؛ زیرا این شرط همانند آن است که شرط شود بوته های گندم به سنبه برسند که باطل است زیرا نامقدور می باشد (عاملی، ۱۴۱۲: ۳۳۱)؛ بنابراین، نمی توان پذیرفت که تضمین ابطال نشدن گواهینامه یکی از شروط ضمنی قرارداد بوده که در صورت ابطال آن، خیار تخلف از شرط صفت را به همراه خواهد داشت. به راستی، چنین شرطی نامقدور بوده و گرچه باطل است ولی قرارداد را باطل نمی کند (بند ۱ ماده ۲۳۲ ق.م).

بند دوم: اعتبار گواهینامه به عنوان شرط سلامت مورد معامله

۱۵۷- اصل در فروش اعیان و اشخاص سلامت از عیوب می باشد (عاملی، ۱۴۱۹: ۳۹۴). هنگامی که خریدار در برابر آن کالا مالی می دهد، به راستی او بر پایه ظن غالبش که مبتنی بر اصله السلامه می باشد اقدام کرده

۱۱. همان: ۹۹.

است، از این رو، اگر عیبی سابق بر عقد آشکار گردد زیان او می‌بایست به طریقی جبران گردد که همانا ثبوت خیار بین امضا و فسخ می‌باشد (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۸۰).

عیب به راستی خروج از مجرای طبیعی به دلیل فزونی یا کاستی است که از ارزش کالا بکاهد (همان، ۱۴۱۳: ۷۳). در عیب، کالا همچنان باقی بوده ولی در پیکره آن کاستی یا فزونی غیرطبیعی است، برخلاف صفت که کالا از طبیعتش خارج نشده ولی آن ویژگی که خریدار می‌خواسته را ندارد.

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، در قرارداد جذب فناوری، گواهی اختراع پاره‌ای از مورد معامله بوده و چنانکه برخی حقوقدانان بیان نمودند بخت سودآوری قرارداد بسیار وابسته به انحصار برآمده از گواهینامه است. (صادقی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۲) بنابراین، با ابطال گواهینامه از اندازه سودآوری قرارداد کاسته خواهد شد؛ ولی باید به یادداشت که در این قرارداد در کنار گواهینامه اختراع، دانش فنی و افزون بر آن تجهیزات و کمک‌های آموزشی ... نیز مورد معامله قرار می‌گیرند تا اینکه زمینه‌های جذب فناوری در فناوری برای دریافت‌کننده فناوری فراهم شود. هنگامی که گواهینامه ابطال گردد از سودآوری قرارداد کاسته می‌شود ولی آیا قرارداد جذب فناوری تنها برای به دست آوردن انحصار بهره‌برداری از نوآوری بوده است یا اینکه هدف آن توانمند شدن در فناوری ای بوده که دریافت‌کننده فناوری از آن بی‌بهره است؟ همچنین، آیا موضوع معامله در این قرارداد همانا خود فناوری نیست؟ به نظر می‌رسد که موضوع معامله در این قرارداد، جذب یک فناوری با همه پاره‌ها و ملزومات آن است و اعتبار گواهینامه اختراع شرط سلامت آن می‌باشد. با ابطال موضوع قرارداد همان است که پیش از این بوده و هیچ دگرگونی در آن پدید نمی‌آید ولی از ارزش فناوری کاسته می‌شود. از آنجایی که این کاستی ریشه در پیش از قرارداد دارد، با ابطال گواهینامه شایسته آن است که دریافت‌کننده فناوری بتواند از خیار عیب (که از خیارات عمومی است) بهره‌مند گردد.

۱۵۹- بر اساس ماده ۴۲۲ اگر پس از قرارداد روشن گردد که مبیع پیش از قرارداد معیوب بوده است خریدار می‌تواند قرارداد را بر هم زند یا آرش بگیرد. نکته‌ای مهم در اینجا آن است که ابطال گواهینامه پس از قرارداد رخ می‌دهد ولی ریشه ابطال به پیش از قرارداد برمی‌گردد. این امر در ماده ۱۸ ق.ث.ا نیز تأیید گردیده است و از این رو نمی‌بایست عیب ناشی از ابطال گواهینامه را حادث خواند. نکته دوم اینکه آیا با ابطال گواهینامه، انتقال گیرنده حق بر هم زدن قرارداد را دارد؟ بر اساس ماده ۴۲۹ ق.م. در برخی موارد خریدار نمی‌تواند قرارداد را فسخ نماید: «۱- در صورت تلف

شدن نزد مشتری یا منتقل کردن آن به غیر؛ ۲- در صورتی که تغییری در مبیع پیدا شود اعم از اینکه تغییر به فعل مشتری باشد یا نه؛ ۳- در صورتی که بعد از قبض مبیع، عیب دیگری در آن حادث شود مگر اینکه در زمان خیار مختص به مشتری حادث شده باشد که در این صورت مانع از فسخ و رد نیست». با توجه به اطلاق ماده ۴۲۲ چنین می‌نماید که موارد بیان شده استثنایی و حصری می‌باشد. از این رو، اگر موردی در سه بند گفته شده جای نگیرد نمی‌تواند مانع فسخ از سوی خریدار به شمار آید. شاید نتوان انتقال دانش به دریافت‌کننده فناوری در قرارداد جذب فناوری تلف دانست؛ زیرا دانش انتقال یافته است و نابود نشده است. فناوری فرست گرچه دانش خود را به دریافت‌کننده فناوری انتقال داده است؛ ولی خود هنوز این دانش را در اختیار دارد، بر این اساس چگونه می‌توان از تلف دانش سخن گفت. باید بررسی شود که آیا با انتقال دانش از سوی فناوری فرست به دریافت‌کننده فناوری تغییری در دانش رخ داده است یا خیر. در پاسخ به این پرسش نیز می‌توان گفت که با انتقال دانش تغییری در آن رخ نمی‌دهد که بتوان از دگرگونی آن سخن گفت و چه بسا دانش پخته‌تر شود. از این رو، در نگاه نخست نمی‌توان از سقوط حق فسخ سخن گفت. باین همه به نظر می‌رسد که این موضوع به ژرف نگری بیشتری نیاز دارد. می‌توان پرسید که چرا قانون‌گذار موارد بیان شده در ماده ۴۲۹ را از استثنائات حق فسخ دانسته است. به نظر می‌رسد که آنچه مانع از فسخ است ناتوانی در بازگرداندن مبیع به همان گونه که فروخته شده می‌باشد. (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۳۷۲) رد مبیع که همانا فسخ قرارداد است می‌بایست به گونه‌ای باشد که همه چیز را به گذشته برگرداند؛ ولی هنگامی که در مبیع تغییری رخ می‌دهد آنچه خریدار می‌خواهد برگرداند همان چیزی که خریده نیست و از این رو شایسته است که خریدار نتواند فسخ کند. با فسخ قرارداد جذب فناوری، اگر قرارداد پیش از این به مرحله اجرا درآمده باشد، آیا فناوری پذیر می‌تواند دانش و آموزش‌هایی را که کسب را هم پس دهد؟ به نظر می‌رسد که نمی‌توان پذیرفت که فناوری پذیر بتواند دانش مکتسبه را برگرداند و دیگر آن دانش را نداشته باشد (انصاری، ۱۳۸۴: ۹۳).

بند سوم: خیار تبعض صفت به عنوان ضمانت اجرای ابطال گواهی اختراع

۱۶۰- به موجب ماده ۴۴۱ قانون مدنی خیار تبعض صفت وقتی حاصل می‌شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد. در این صورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ کند یا به نسبت قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی

که بیع باطل بوده است ثمن را استرداد نماید. باید دانست که خیار تبعض صفتی که از خیار تبعض صفتی است تنها ناظر به بطلان ابتدایی قرارداد نمی باشد و تلف موضوع درانتهای قراردادهای مستمر را نیز شامل می شود. به موجب ماده ۴۸۳ قانون مدنی، اگر در مدت اجاره عین مستأجره به واسطه حادثه کلاً یا بعضاً تلف گردد از زمان تلف نسبت به مقدار تلف شده منفسخ می شود و در صورت تلف بعضی آن مستأجر حق دارد اجاره را نسبت به بقیه منفسخ کند یا فقط مطالبه تقییل نسبی مال الاجاره نماید.

از آنجایی که عموماً قرارداد جذب فناوری قراردادی مستمر است و تعهدات به صورت مرحله ای انجام می گیرد به نظر می رسد که می توان ماده ۴۸۳ ق.م را در اینجا اجراشدنی دانست. باین حال نکته ای که باقی می ماند، چندگانگی موضوع قرارداد جذب فناوری است. آیا می توان گفت که موضوع قرارداد فناوری چند چیز است و گواهی اختراع تنها یکی از موارد معامله به شمار می آید. در نگاه نخست می توان گفت که موضوع اصلی معامله یک فناوری در هیئت کلی می باشد و گواهی اختراع جزئی از آن است. به سخن دیگر در این قرارداد چند چیز معامله نمی شود؛ بلکه یک چیز که خود دارای اجزای کوچک تری است مورد معامله قرار می گیرد. این نکته با این امر که حق اختراع از ملزومات قرارداد است نیز تقویت می شود. با این وجود می توان استدلال کرد که فناوری پذیر همه اجزای فناوری را باهم خواسته است نه هر یک را جدا از هم. همچنان که در قرارداد اجاره ممکن است یک مال مورد اجاره باشد ولی این مال خود دارای اجزایی باشد و در صورت تلف جزئی از آن مستأجر حق منفسخ دارد.

پذیرش خیار تبعض صفتی برای فناوری پذیر این حسن را دارد که می تواند بین منفسخ قرارداد و ابقای آن همراه با تقییل نسبی عوض تصمیم گیری کند و از سوی دیگر، چون ممکن است بخش اجراشده قرارداد برای او چندان سودمند نباشد کل قرارداد را منفسخ نموده و نسبت به بخش اجراشده عوض متناسب را به عنوان اجرت المثل پرداخت نماید.

گفتار دوم: سایر موارد ابطال گواهی اختراع

با توجه به هدف بنیادین قرارداد جذب فناوری، در مواردی که ابطال گواهی اختراع به سبب فقدان کاربرد صنعتی و یا نداشتن صفت اختراع می باشد، از آنجا که از ابتدا دسترسی به هدف بنیادین غیرممکن می باشد و در این موارد اختراع چیزی را نصیب فناوری پذیر نمی کند تردیدی نیست که قرارداد می بایست باطل شمرده شود؛ زیرا آنچه طرفین می خواسته اند هرگز قابل تحقق نبوده و نمی توان پذیرفت که چیزی نصیب

فناوری پذیر شده باشد. در حقیقت در این موارد، فناوری خاصی در کار نبوده تا بتوان جذب کرد. در مواردی که دلیل ابطال مخالفت بانظم عمومی است، از آنجا که موضوع قرارداد قابلیت استیفا برای فناوری پذیر را نداشته و فناوری پذیر حتی اگر چیزی از دانش فنی و اسرار تجاری را کسب کرده باشد نمی تواند از آن بهره برداری کند، به لحاظ ممتنع بودن موضوع از هنگام انعقاد قرارداد، با لحاظ اینکه غایت قرارداد جذب فناوری، خودکفایی در شاخه ای از فناوری متضمن امکان بهره برداری از آن در بازار است، قرارداد باطل بوده و وجوه پرداختی از مصادیق اکل بالباطل است که می بایست مسترد گردد.

با توجه به ماده قانون ثبت اختراعات، ممکن است ابطال صرفاً مربوط به ادعاهای اختراع یا بخشی از آن باشد. ادعاها اصولاً چند کارکرد اساسی دارند. نخست، آشکارسازی و افشای اختراع، تعیین محدوده موضوع ثبت اختراع و تمایز اختراع از فن پیشین (دوره ام، ۱۹۹۹: ۶۶-۷۹). گرچه در قانون ثبت اختراعات گسترش دامنه ادعاها از موجبات ابطال دانسته نشده است؛ ولی به نظر می رسد که با توجه به ماده ۱۸ قانون ثبت اختراعات این دسته از ادعاها ابطال می شود گرچه به ابطال گواهینامه نمی انجامد. گسترش ناروای دامنه ادعا بدین معناست که موضوع اختراع به فراسوی اظهارنامه ثبت گسترش داده شود (صادقی و امینی، ۱۳۹۱: ۶۲). در مواردی که ابطال مربوط به بخشی از ادعا یا ادعاها باشد، به نظر می رسد که در پی ابطال ادعا در اثر گستردگی، دامنه ادعاها و به تبع آن محدوده انحصار کاهش می یابد، از ارزش موضوع قرارداد کاسته می شود، همان تحلیل های ارائه شده در خصوص فقدان شرط تازگی و بدیهی نبودن حاکم باشد.

گفتار پنجم: تحلیل اقتصادی ضمانت اجراهای ارائه شده

گفته شد که در صورت ابطال گواهی اختراع، چند نظر در خصوص وضعیت قرارداد جذب فناوری قابل طرح است. از یکسو می توان ادعا کرد که به لحاظ موجود نبودن اختراع موضوع معامله، قرارداد اساساً باطل است. عقیده بر بطلان، موجب می شود که حق انتخاب دو طرف قرارداد بر ادامه رابطه قراردادی سلب گردد. این در حالی است که ممکن است برای فناوری پذیر ادامه رابطه قراردادی (گرچه با اندکی تعدیل) مناسب تر باشد. گرچه قواعد مربوط به شرایط اساسی قراردادها را می توان از قواعد مرتبط با نظم عمومی دانست؛ ولی درجایی که خود قرارداد مغایرتی با نظم عمومی ندارد شایسته تر آن است که تصمیم راجع به سرنوشت قرارداد به طرفین واگذار شود، همچنان که در صورت عدم طرح دعوا، طبق مقررات ماده ۲ قانون

ناچار است عوضی را پرداخت نماید که در برابر آن چیزی دریافت نمی‌کند.

پذیرش خیار عیب در حالتی که قرارداد به اجرا درنیامده باشد مناسب به نظر می‌رسد ولی اگر قرارداد به اجرا درآمده باشد، با لحاظ آنچه در خصوص خیار وصف و نیز حق فسخ در خیار عیب گفته شده است نمی‌تواند برای فناوری پذیر شایسته باشد؛ زیرا گرچه گواهینامه اساس قرارداد را تشکیل نمی‌دهد ولی ممکن است بقای قرارداد منعقد شده برای فناوری پذیر مطلوب نباشد و او بخواهد فناوری دیگری را جایگزین نماید. از این رو شایسته است که فناوری پذیر ضمانت اجرایی در اختیار داشته باشد که در صورت رضای به قرارداد ارزش اعتبار گواهی از میزان عوض کسر گردد و از سوی دیگر بتواند چنانچه بقای قرارداد برای او مطلوب نباشد آن را فسخ نماید.

پذیرش خیار تبعض صفقه به استناد ماده ۴۸۳ ق.م.چند حسن دارد. نخست آنکه ضمانت اجرایی را برای فناوری پذیر فراهم می‌نماید که تصمیم بگیرد، آیا قرارداد را از آغاز فسخ کند یا بقای آن را با کاهش نسبی عوض بپذیرد. از سوی دیگر، این خیار، حقوق دارنده گواهی را نیز تضمین می‌نماید زیرا منافع مکتسبه فناوری پذیر از حق اختراع (و نیز عوض اسرار تجاری و دانش فنی و دیگر اجزای قرارداد) تا هنگام ابطال بی‌عوض نمی‌ماند. همچنین، این اختیار را به قاضی می‌دهد تا بررسی نماید آیا این قسمت از اجرای قرارداد منفعتی را برای فناوری پذیر حاصل نموده است یا خیر. چنانچه قرارداد هنوز به اجرا درنیامده و یا بخش اجرا شده ناچیز باشد طبیعی است که با فسخ کل قرارداد و فقدان منافع تحصیلی و جوه پرداختی قابل استرداد باشد و اجرت المثلی را نمی‌توان حکم داد. ولی اگر بخش قابل توجهی از قرارداد اجرا شده باشد می‌توان برای آن بخش اجرا شده با لحاظ منفعی که ممکن است از سوی فناوری پذیر تحصیل شده باشد اجرت المثلی شایسته را حکم داد. در حقیقت، پذیرش خیار تبعض صفقه نه تنها عدالت قراردادی و انتظارات طرفین را به طور کامل برآورده می‌سازد بلکه با سیاست کلان حقوق اختراعات نیز سازگار است زیرا مخترع را از نتایج اشتباه اداره ثبت اختراع مصون داشته و بدین طریق انگیزه برای ثبت اختراعات و افشای اطلاعات فنی کاهش نمی‌یابد.

بحث و نتیجه گیری

یکی از پرسش‌های قابل طرح در خصوص قرارداد جذب فناوری، تأثیر ابطال گواهی در وضعیت قرارداد است. در حقیقت، مسئله این است که با ابطال گواهی اختراع، قرارداد جذب فناوری باطل می‌شود یا اینکه انتقال گیرنده فناوری مستحق فسخ قرارداد می‌شود و نیز آیا می‌توان در چنین وضعیتی عقیده بر انفساخ داشت یا

آیین دادرسی مدنی، رأساً نمی‌توان بطلان قراردادی را اعلام نمود. این موضوع در خصوص انفساخ نیز جاری است. (رهبری، ۱۳۹۳: ۵۱۵) باین حال عقیده به بطلان در موارد نداشتن کاربرد صنعتی و منافات با نظم عمومی موجه به نظر می‌رسد؛ زیرا این امر هدف قانون‌گذار بر اعطای حقوق انحصاری به نوآوری‌های واجد کاربرد صنعتی و غیرمنافی با نظم عمومی را تأمین می‌کند. در حقیقت، هنگامی که در ازای اختراع منافی نظم عمومی، چیزی عاید مخترع نمی‌شود، این نتیجه را به دنبال دارد که مخترعین تلاش کنند تا به سمت نوآوری‌هایی گام بردارند که با نظم عمومی جامعه در تعارض نباشد. باین حال، در صورت عقیده بر بطلان قرارداد و استرداد تمام وجوه ممکن است موجب تردیدی در مخترع اختراعات مشکوک جهت ثبت اختراع باشد زیرا وقتی اداره ثبت با تمام ابزار و مشاوران نتوانست منافات اختراع با نظم عمومی را کشف نماید چگونه می‌توان از مخترع چنین انتظاری را داشت. بر این اساس، درحالی که دارنده گواهینامه با اتکا بر اصل صحت ثبت اختراع به لحاظ صدور از مرجع قانونی اقدام به سرمایه‌گذاری و صرف وقت و هزینه جهت انتقال فناوری در قالب قرارداد جذب فناوری کرده است، عقیده بر بطلان (با پذیرش دیدگاه شیخ انصاری و موافقان او) به این معناست که باید همه آنچه دریافت شده است مسترد گردد. در برابر می‌توان ادعا کرد که عقیده بر بطلان می‌تواند این مزیت را داشته باشد که مخترع در هنگام ثبت همه رازها و ریزه کاری‌های مربوط به اختراع را آشکار کند تا بررسی اینکه ممکن است اختراع خلاف شرع باشد دقیق‌تر انجام گیرد. در خصوص اختراعات فاقد کاربرد صنعتی نیز عقیده بر بطلان قرارداد می‌تواند این پیام را برای مخترعین دارد که ثبت اختراعات فاقد کاربرد صنعتی نه تنها آورده‌ای برای آن‌ها ندارد بلکه هزینه‌های دیگری نیز بر آن‌ها تحمیل می‌نماید.

در خصوص پذیرش خیار وصف، باید گفت که حق فسخ تنها نمی‌تواند ضمانت اجرای دقیقی برای این وضعیت باشد زیرا که موضوع معامله در قرارداد جذب فناوری تنها حق اختراع نیست بلکه جذب فناوری در فناوری موضوع اختراع می‌باشد و گواهی اختراع بر ارزش موضوع معامله می‌افزاید. در حقیقت خیار وصف تنها دو گزینه روبروی فناوری پذیر قرار می‌دهد: فسخ معامله و بر هم زدن آن یا پذیرش قرارداد بهمان گونه که هست. از این رو، اگر باوجود ابطال گواهی اختراع بقای قرارداد برای فناوری پذیر مطلوب باشد او ناچار است همان عوضی را پرداخت نماید که اگر گواهی معتبر بود می‌بایست پرداخت شود و حال آنکه با ابطال گواهی و قطع انحصار برآمده از آن به یقین بخت سودآوری قرارداد کاهش می‌یابد. بر این اساس، فناوری پذیر

خیر. برای یافتن پاسخی دقیق نخست باید بررسی شود که گواهی اختراع چه جایگاهی در قرارداد دارد. موضوع قراردادهای جذب فناوری این است که فناوری با همه اجزایش با سازوکار ویژه‌ای به دست گیرنده برسد و دربرگیرنده تجهیزات و دستگاه‌ها، نوآوری‌ها، دانش فنی و اطلاعات سری و نیز شاید دیگر حقوق فکری، مهارت‌ها و کمک‌های فنی و مدیریتی و آموزشی و همچنین چنانچه در قرارداد آمده باشد، علائمی که برای تجاری‌سازی فناوری نیاز است می‌باشد؛ بنابراین، موضوع این قرارداد تنها حق اختراع نمی‌باشد؛ بلکه مجموعه‌ای از حق اختراع و دانش‌های فنی به همراه کمک‌های آموزشی و فنی و مدیریتی که زمینه توانمند شدن انتقال گیرنده را در نوآوری فراهم می‌سازد موضوع قرارداد است و به نظر می‌رسد که اساس قرارداد جذب فناوری دانش فنی است که می‌بایست با سازوکار ویژه‌ای به انتقال گیرنده منتقل شود به گونه‌ای که او در فناوری موضوع قرارداد به خودکفایی برسد و اعطای مجوز بهره‌برداری، جزئی از قرارداد در راستای ورود انتقال گیرنده به بازار است. با توجه به مطالب گفته شده می‌توان نتیجه گرفت که ابطال گواهی اختراع را نمی‌توان موجب بطلان قرارداد و یا انفساخ آن دانست. در خصوص اینکه آیا با ابطال گواهی اختراع، انتقال گیرنده حق فسخ قرارداد را خواهد داشت یا خیر می‌توان سه مبنای مطرح کرد. از یک نظر می‌توان وجود حق اختراع را وصف فناوری دانست که با ابطال گواهی، انتقال گیرنده حق فسخ به استناد خیار تخلف از شرط خواهد داشت. با این وجود، با لحاظ وجود واقعی انحصار ناشی از گواهی اختراع در بازار تا پیش از ابطال، می‌توان ادعا کرد که تا پیش از ابطال، فناوری واقعاً وصف موردنظر داشته است و نمی‌توان ادعا کرد که موضوع قرارداد از ابتدا فاقد وصف مورد نظر بوده است. از منظر دیگر، می‌توان گفت که وجود گواهی اختراع با لحاظ حقوق انحصاری که بخت سودآوری را افزایش می‌دهد است، شرط سلامت فناوری بوده که با ابطال، ارزش موضوع قرارداد کاهش یافته و نقص محسوب می‌شود. باین وجود، از آنجایی که انعقاد قرارداد جذب فناوری همواره مستلزم وجود گواهی اختراع نبوده و در زمینه دانش فنی پیچیده که با سادگی قابل کشف برای دیگران نباشد نیز انعقاد این قرارداد قابل تصور است و بنابراین، وجود گواهی اختراع جزء طبیعت فناوری موضوع قرارداد نیست که فقدان آن را بتوان نقص دانست. می‌توان گفت که موضوع قرارداد جذب فناوری، یک فناوری در هیئت کلی است که دارای اجزای مختلفی از جمله گواهی اختراع است و وجود گواهی اختراع بر ارزش موضوع معامله می‌افزاید و در صورت ابطال گواهی اختراع بخشی از موضوع معامله (با لحاظ وجود انحصار واقعی تا پیش از ابطال)

تلف شده و در نظر گرفتن مستمر بودن قرارداد جذب فناوری، با وحدت ملاک از قواعد عقد اجاره، موجب خیار تبعض صفقه برای خریدار خواهد بود. از لحاظ تحلیل اقتصادی، پذیرش خیار تبعض صفقه حقوق هر دو طرف قرارداد را بیشتر تأمین می‌نماید و با اهداف کلان حقوق اختراعات سازگارتر است؛ زیرا نه تنها انگیزه انتقال گیرنده برای درخواست ابطال گواهی اختراع نابجا و در نتیجه حذف آن در راستای حمایت از دانش عمومی و برچیده شدن انحصارهای نابجا حفظ می‌شود، بلکه به خریدار این اختیار را می‌دهد که با لحاظ نفع کلی اش، در اینکه ادامه قرارداد را با کاهش رویالتی بپذیرد و یا اینکه قرارداد را فسخ نماید. از سوی دیگر، با لحاظ موجود دانستن انحصار واقعی تا پیش از ابطال و لزوم پرداخت عوض متناسب (که می‌تواند بر حسب فسخ کل قرارداد یا کاهش نسبی عوض) برای مدت پیش از ابطال، انتظارات دارنده فناوری را نیز تأمین نموده و انگیزه برای ثبت اختراع و انعقاد قراردادهای انتقال فناوری حفظ می‌شود و مخترعین را از خطرات ابطال ایمن نگه می‌دارد.

منابع

- انصاری، مهدی (بی تا). «قرارداد بین المللی لیسانس تکنولوژی». مجله حوزه و دانشگاه، سال یازدهم، شماره ۴۴.
- تولیت، عباس (۱۳۸۸). «تحلیل قصد متعاقبین در تخلف از شرط صفت». فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری. شماره ۴۱ و ۴۲، صص ۱۱-۲۶.
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰). *تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیة (ط - الحدیثه)*. جلد ۶. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴). *تذکره الفقهاء (ط - الحدیثه)*، ۱۴ جلد. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- (۱۴۱۳). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام. جلد ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- رهبری، ابراهیم (۱۳۹۰). «شیوه‌های قراردادی انتقال فناوری در تجارت بین الملل». پایان نامه دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی.
- صادقی، محمد؛ امینی، مهدی (۱۳۹۱). «موجبات و آثار گواهی‌نامه حق اختراع». مجله مطالعات حقوق تطبیقی. دوره ۳، شماره ۱.
- عاملی، سید جواد بن محمد حسینی (۱۴۱۹). *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (ط - الحدیثه)*. جلد ۲۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین

Liping, Huang & Lina, Zhang, Research on the Relationship Between Invalid Patent and the Validity of Patent Contract, Proceedings of the 8th International Conference on Innovation & Management, Springer, 2011, p.897
, (Lear, Inc. v. Adkins - 395 U.S. 653 (1969)
Poltorak, Alexander I. & Lerner, Paul J., Essentials of Licensing Intellectual Property, John Wiley & Sons, Inc., 2004
St. Regis Paper Co. v. Royal Industries, 552 F.2d (309 (1977
Vahrenward, Arnold, Patent License Contracts in English, French and Italian Law, Centre Bar, Kiev, 1995
Warner-Lambert Pharmaceutical Company, Inc v. John J. Reynolds, Inc., 178 F.Supp. 655 (1959), pp.665-667
World Intellectual Property Organization (WIPO), International Property Handbook Policy, Law and use, Geneva, 2nd edition, 2004

حوزه علمیه قم.
عاملی، شهید ثانی زین الدین بن علی (۱۴۱۲). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - سلطان العلماء). ۲ جلد. قسم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸). نظریه عمومی شروط و التزامات. بی جا: مرکز نشر علوم اسلامی.
Aronson v. Quick Point Pencil Co., 440 U.S. 257 (1979)
Blonder Tongue v. University of Illinois Found., (402 U.S. 313 (1971
(Brulotte v. Thys Co., 379 U.S. 29 (1964
Decree-Law No. 551 on the Protection of Patent Rights in Force as from June 27, 1995. Available at:
http://www.wipo.int/wipolex/en/text.jsp?file_id=129944
Durham, Alan L (1999), Patent law essentials: a concise guide, Quorum Books, London
Greece Patent Law (Law on Technology Transfer, Inventions and Technical Innovation as amended by Law no. 2359 of November 21, 1995, Entry Into Force: January 1, 1996

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی